

اوبهترین مرد جهان بود

محمد (ص) نمرنگ و فریب کار بود است؟ نه! بعد از مطالعه تاریخ زندگی او روشن میگردد که او هرگز این چنین نبوده است. زیرا فریب و بیرنگ و نادیس، همگی ناشی از نفاق و درونی است تا آنجا که میگوید:

در زندگی محمد (ص) و قدرت تأمل و تفکر و جهادوی و فوایش بر ضد خرافات امتش، و جهات ملنشی و شهامت و حرارت و استقامت وی در آنچه از دست پرستان می دید و شنید و تحمل و سوزش بد، خواهد بود یا بپردی او در انتشار رسانش و جنگهای او که محمود نقرت وی کمتر از دشمنانش بود؛ و ایمان او به پیروزی و آگاهی دی به اعلای سخن حق و تثبیت عقیده اش و رانندگی از آن که با خدا قطع نمی شد. همه و همه دلیل است که او اهل بیرنگ و دروغ نبود، و برناطل و خطا نمی زیست. بلکه درودای این خصال و صفات؛ اعتقادی درست داشت؛ و یوریقین دل و لوح دلیش می درخشید. این همان یقین بود که روح او را سرشار کرده، و همان بود که به وی نیرو می داد. تا در زندگی؛ با اندیشه ای مواج و اقیق روشنی و اعتقادی راسخ زیست کند؛ که همگی در اعتقاد به خداوند یکتا خلاصه می شد.

عجیب است که دشمنان پیامبرانه تنها در مکه در حدود دستگیری وی بودند، بلکه پس از ترومکه نیز او را

۷۴ - کارل همیش بکر آلمانی (۱۸۷۶-۱۹۳۷) مؤلف کتابهای متعدد و مؤسس مجله جهان اسلام که ادبیات اسلامی را از ادبیات مسیحی برتر میداند. در کتابی بنام «شرقی ها» می نویسد: «کسانی که گفته اند پیغمبر اسلام ساحر یا فریب کار بوده است، اشتباه کرده اند. زیرا ایشان شخصیت بزرگ او را درست درک نکرده اند. محمد شایسته هرگونه تقدیر است؛ و سزاوار است که از وی پیروی کنند. ما را نمی رسد که پیش از آنکه بدانیم حکم کتب محمد بهترین مردی است که درین هدایت و کمال در برای جهان آورده»

محمد بالآخر البشر و یالین تراخذها
۷۵ - لامارنم فرانسوی (۱۷۹۱-۱۸۶۹) از شعرا و نویسندگان مشهور و یکی از متفکرین اروپا، التسمیه در کتاب «حرفه شرق» ترجمه عربی صفحه ۳۷ می نویسد: «محمد بالآخر بشر و یالین تراخذها بود. آنچه محمد (ص) در دعوت خود بکار برد، و ارزش معنوی آنرا آشکار ساخت. و به پیروان خویش اظهار داشت: «این آسمانی بود» که به سرعت آنرا پذیرفتند. محمد (ص) بزرگترین شاهکار خلقت بود، که خدای خالق برای بنی نوع بشر ترسیم نمود. و در صفحه ۸۴ می نویسد: «آیا شما اروپائیان می ندانید که

بدون تردید محمد (ص) دست بکاری بزرگد و
المقانی عظیم درجهان بود .

و نیز «تولستوی» در کتاب «فرمان محمد»
میاوست هر کس میخواهد درباره اساس دین اسلام
تحقیق کند که چقدر کار در برابر مردم آسان گرفته است
باید قرآن را به دقت مطالعه نماید و فرآینی که
محمد آبر برای هدایت مردم آورد . آیات روشنی
در آن است که دلالت بر روح عالی اسلام دارد . از
جمله این آیه بهیچگی به رشته هدایت الهی چنگ نزنید
و پراکنده نشوید ، و یاد آورید نعمت خدا را بر
خوبیش ، در هنگامیکه دشمن بکند بگریزید . و
خدا « با ظهور محمد ، دلهای شما را بهم پیوند داد ،
و شما را آن نعمتی که خدا شما را از آن داشته بود ،
بهم برادر شد . زمانی که برب گودالی از آتش
انقلاب قرار داشت ، و خدا شما را از سقوط در آن
نگاه داشت ، بدینگونه خدا آیات خود را برای شما
روشن می سازد ، تا هدایت شوید » (۲)

نقوذ اسلام در شاه اسمگان

۷۷ - «ماکس» خاورشناس آمریکایی
(۱۷۹۵ - ۱۸۶۸) که دارای تألفاتی در تاریخ و
رویدادهای بزرگی از جمله کتاب «بزرگان شرف» است .
در صفحه ۹۳ آن کتاب می نویسد : روح اسلام از
جانب محمد پیامبر خدا در مسلمانان و راه یافتگان
و شاهستانان نفوذ یافت . همین روح قوی بود که
محمد را از میان مشرکان به سلطنت در آورد و از
مکه به مدینه هجرت داد .

تعیین میکردند . ولی خدا او را به غاری هدایت نمود ،
و سنگرونی را مأمور ساخت که لاری بر آن بشند ؛ و
محمد (ص) را بخطر برساند . علاوه بر آن آمد
و بر در غار نغمه گذاشت . تا هر گواه گمانی را از
بافتن پیامبر در غار ؛ بر طرف سازد .

هر کس میخواهد به خدای بنگانه ایمان آورد ؛
باید به آسانی دست تو لای خدائی را که کائنات را
میگرداند ، نه با چشم سر - مشاهده کند . به خصوص
در آن هنگام که زندگی پیامبر را به وسیله کبوتری که
خدا پنهان از دیدگان ؛ به حمایت او فرستاد ؛ حفظ کرد .

اومرد انقلاب بود

۷۶ - «تولستوی» فیلسوف شهیر روسی در
کتاب «انسان و زندگی» می نویسد : «همسر
محمد نبوت او را تصدیق کرد . همچون علی بن
ابطال و زینب حارثه نخستین گمان از جنس مردان
بودند که او را تصدیق کردند . خدیجه نخستین زنی
بود که به محمد (ص) ایمان آورد .
محمد (ص) پیامبر اسلام که تاکنون پیش از دوست
ملیون نفوس بشری (۱) به وی ایمان آورده اند .

دست به کاری بزرگ زد ، زیرا او بینانیت پرستی
را که ملت عرب زندگی خود را در آن راه باجگانه های
خانوادگی و خون ریزی و تقدیم قربانی ، به پیشگاه
گدازانده بودند ؛ درهم ریخت ؛ و آنها را به شناخت
خدای بنگانه رهبری کرد ؛ و بدینگان ایشان راه نمود
ایمان روشن ساخت و اعلام نمود که همه طغیان
مردم در پیشگاه خدای بنگانه برآورده است . در واقع

۱ - این آمار تقریبی مربوط به زمان تولستوی بوده است و تازه در همان زمان هم درست نبود است .

۲ - آیه ۱۰۳ سوره آل عمران